مـــن دانشـــجو هســـتم / شـــماره مجـــوز : ش/ک/۴۳۹ - ۱۳۹۳/۳/۸
اولیـن هفته نامه ی مسـتقل فرهنگی اجتماعی سیاسـی دانشـگاه علوم پزشـکی مشـهد
صاحـب امتیـاز : مصطفـی سـلجوقی / **مدیـر مسـئول** : سـعید اصغریـان / **سـردبیر** : قاسـم امینـی /
هیـأت تحریریـه : محمـد شـرفخانی، حبیـب قـادری (جانشـین سـردبیر)، علـی عـرب، قاسـم امینـی، سـید محمـد علـی گوهـری، محمـد مهـدی میـری، مسـعود مهـدوی راشـد، محسـن صابـری، مرضیـه رحمانـی (فـارغ التحصیـل)، سـمانه صفـری (فـارغ التحصیـل) ، فاطمـه مطـوری، آرمـان معیـن راد، سـید محمـد حسـینی، حسـین شمسـیان، پریسـا فـرزاد نیـا /
مسـئول سـایبری: سـعید میرزایـی / **گرافیـک و صفحه‌آرایـی:** محمّـد رضـا پارسـایی فـر
شـبکه ی توزیـع : محمـد نـادری (مسـئول و بهداشـت)، مجتبـی محمدیـان (پزشـکی)، علـی عـرب پـور (سـلف و خوابـگاه)، اعظـم عاشـوری (سـلف و خوابگاه)، علي نوبـری (پیراپزشـکی)، وحید شـاهرخی (دندون پزشـکی)، عبـاس جعفـری (بهداشـت)، محمـد مهـدی فـلاح (داروسـازی)، رضـا فرهـادی (پرسـتاری)

باشگاه مخاطبین
مسئول: محمدصادقی
پیامک: ۰۹۲۱۵۲۵۳۳۰۵
رایانامه:
Daneshjuweekly@Gmail.com

نشریه مستقل دانشجویی
فرهنگی،سیاسی،اجتماعی
شماره بیست و سوم
۲۹ تیر تا ۶ مرداد
من دانشجو هستم

سوژه‌ی هفته

حبیب فلاح

از جبهه ملی علنی تا جبهه ملی یواشکی...

"جبهه ملی، طی اعلامیه ای، که بهانه آن نفی و حمله شدید به لایحه قصاص بود، مردم را به یک راهپیمایی در مسیر خیابان انقلاب به سمت دانشگاه تهران، در بعدازظهر روز ۲۵ خرداد ۱۳۶۰فراخواندند." جبهه ملی این لایحه را غیر ان ناقض حقوق سانی دانسته بود.

عاقبت این ماجرا اعلام ارتداد جبهه ملی از سوی امام خمینی (ره) بود.

۳۴ سال پس از آن زمان، در روزهای اخیر به مطالبی در برخی نشریات دانشجویی دانشگاه خودمان بر خوردیم که ما را به یاد آن روزها انداخت. مطالبی با محور انتقاد به نیاز زنان برای خروج از کشور به اذن همسر و نامیدن این قوانین به عنوان ناقض حقوق انسانی. البته مسلماً سطح آگاهی و اغراض نویسندگان مطالب فعلی در نشریات دانشجویی با فعالین نهضت آزادی قابل مقایسه نیست و از طرفی مسئله مورد مناقشه از اهمیت چندانی در مقایسه با قصاص برخوردار نیست اما یک تشابه کوچک در این زمینه آن قدر مهم بود که ما را وادار به هشدار کرد. تشابه در این است که هر دو بار کسانی که ادعای مسلمانی داشتند بدون تخصص فقهی، درباره یک مسئله تخصصی اظهار نظر کردند. اگر چه میان قصاص که از مسلمات شرعی است و برخی حقوق اجتماعی که مسائلی فرعی تر هستند تفاوت فراوان است و درباره مسئله ای مثل نیاز به اذن شوهر برای زنان، ممکن است نظرات متفاوتی در میان فقها باشد اما این هشدار جدی است. این هشدار مربوط به ارزش گذاری نظرات گوناگون درباره این مسئله یا حتی تقبیح خود باختگی در برابر تمدن غرب و بازی هایی مثل حقوق بشر، نیست؛ بلکه هشدار نسبت به خطر "خود صالح پنداری" است. خطر این است که مثلاً یک ریاضی دان یا پزشک خود را دارای صلاحیت تعیین تکلیف برای فقها در زمینه تخصصی آن ها بداند. شاید فردا فقها به نتیجه دیگری در مسئله مورد بحث برسند، اما مهم این است که فرآیند منطقی برای این نتیجه گیری طی شود، نه این که هر قشری به اظهار نظر و تعیین تکلیف برای فقها بپردازد. اگر امروز درباره فقه چنین رویه ای باب شود و هر کس خود را صاحب صلاحیت بداند، فردا همه برای پزشکان تعیین تکلیف می کنند و به تصور خود جریان مطالبه مدنی! برای تغییر طبابت به راه می اندازند. این گونه، در عمل مفهوم تخصص و تحصیل علم بی معنا می شود، چون شاید جریان مطالبه مدنی!! حکمی بر خلاف علم طلب کند، در واقع در چنین جامعه ای دیگر سنگ روی سنگ بند نخواهد شد...

نشنیده بگیرید

حبیب فلاح

"مدیریت فرهنگی داسی" یا "چگونه صدای دانشجو را در نطفه خفه کنیم"

"مسئولین فرهنگی دانشگاهها بفهمند چه می کنند. کار فرهنگی صحیح این است که انسان مؤمن، متخلق، انقلابی، معتقد به آرمانها، دوستدار کشور و نظام اسلامی و دارای بصیرت و عمق دینی و سیاسی تربیت شود."

با مشاهده جمله بالا از رهبر معظم انقلاب در دیدار رئیسان دانشگاه های کشور(۹۴/۸/۲۰)، ذهن ها به این سمت می رود که میزان تحقق چنین اهدافی را در دانشگاه های مختلف بررسی کند و برای هر مدیریتی در این زمینه نمره ای مثلاً بین صفر تا بیست در نظر بگیرد. اما در این جا و در دانشگاه ما قرار نیست چنین بررسی انجام دهیم، نه به این علت که با چنین آرمان هایی مخالفیم و یا چنین مسائلی را کم اهمیت می دانیم، بلکه چون مسئولین فرهنگی در دانشگاه ما فرسنگ ها با معیار های اولیه برای بررسی در چنین نظام ارزش گذاری فاصله دارند؛ یعنی برای ورود به این ارزیابی و کسب نمره صفر شرایطی مورد نیاز است که به نظر نمی رسد مسئولین فرهنگی دانشگاه ما حتی به فکر کسب این شرایط باشند. برای بررسی بهتر سعی می کنیم در ادامه مسیر با بررسی عملکرد مسئولین این حوزه به این سؤال پاسخ دهیم که اصلاً وجود مدیریتی در دانشگاه به نام مدیریت فرهنگی، سودی برای فضای فرهنگی داشته است یا خیر. فلسفه وجودی چنین مدیریتی علی القاعده از سه هدف حداقلی کلی خارج نیست:

۱- تسهیل فعالیت های قانونی دانشجویی در زمینه فرهنگ **۲-** جلوگیری از اعمال و فعالیت های ناهنجار در حوزه فعالیت های فرهنگی دانشجویان **۳-** حمایت مالی و غیر آن، از فعالیت های دانشجویی. به ترتیب به بررسی میزان تحقق هر یک از اهداف اولیه می پردازیم.

۱- تسهیل فعالیت های قانونی دانشجویی در زمینه فرهنگ: شاهد یک می گوید: زمستان سال ۹۲ نشریه ای طنز را پس از اخذ مجوز آماده انتشار کردیم که مدیر فرهنگی دانشگاه به بهانه درج فتوکارتون(چیزی شبیه کاریکاتور) از رئیس دانشگاه مانع چاپ و نشر شماره اول شد و شماره بعد را نیز با بهانه ای مشابه سرکوب کرد؛ بنابراین نشریه ما در قدم اول با مشت آهنین سرکوب شد و برای همیشه به حافظه گروه دانشجویی نشریه پیوست. شاهد دو می گوید: درخواستی برای تأسیس یک کانون فرهنگی-دانشجویی در زمینه اطلاع رسانی و خبرنگاری ارائه کردیم که پس از حدود پنج ماه حتی یک پاسخ مکتوب به درخواست ما داده نشد و صرفاً به صورت شفاهی اعلام شد که چون در زمینه فعالیت شما، روابط عمومی دانشگاه فعال است، شما مجاز به کار نیستید!!! در واقع معنی این حرف آن است که در هر زمینه ای که دانشگاه تشخیص دهد کارمندان فعالیت نکنند، شما مجاز به فعالیت هستید. عملاً با این رویکرد حوزه فعالیت دانشجویی محدود می شود به جاهایی که مسئولین بخواهند فعالیتی نکنند. شاهد سه می گوید: برای یک کانون فرهنگی درخواست مجوز دادیم که ۱۰ ماه به بهانه هایی مثل مناسب نبودن فونت درخواست معطل شدیم. شاهد چهار می گوید: برای انتشار نشریه دارای مجوزمان باید مطالب و اشعار دانشجویان به تأیید یک نفر از شاعران که مدیریت فرهنگی تعیین نموده، برسد. شاهد پنج می گوید: برنامه تشکل ما را به بهانه درج "..." روی تبلیغات مدتی دچار مشکل کردند و تبلیغات برنامه چند ساعت قبل از شروع آماده نصب شد.

شاید خواندن نقل های بالا از دانشجویان باور نکردنی باشد به ویژه که بدانیم مثلاً نظارت پیش از انتشار بر نشریات ممنوع است و یا برای پاسخ به درخواست تأسیس یک کانون ۴۵ روز زمان تعیین شده، اما همه وقایع مذکور تنها گوشه ای از حال و روز فعالین دانشجویی در یک دانشگاه است!

به نظر می رسد با معیار هدف اول، عدم وجود مدیریت فرهنگی در دانشگاه ما سودمند تر از وجود چنین مدیریتی است. فقط خدا می داند چه موارد مشابهی در این مدت رخ داده است که ما از آن بی خبریم، چه تعداد دانشجو با همین روش، بی صدا از گردونه فعالیت فرهنگی خارج شده اند؟!؟!

ادامه دارد...

مطبوعات آینه ی جامعه یا ابزار تسویه حساب!!!

همانطورکه درجریان هستید این روزها نمایشگاه مطبوعات کشور در تهران در حال برگزاری است. مطبوعاتی که برای آگاه نمودن مردم در مورد مسائل مختلف و بیان اخبار پیرامون آنان ایجاد شده اند . و از دیگر سوباید مطبوعات بعنوان نماینده مردم ، بیانگر نظرات و خواسته های آنان باشند تا این نظرات به یک خواست عمومی تبدیل شود و هنگامی که موضوعی به یک خواست عمومی تبدیل شد، مسئولین امر و دولت مجبور به پیگیری و حل آن می شوند.

یکی از اصلی ترین موضوعات در هر رسانه ای مباحث سیاسی می باشند و حتی بسیاری مسائل اقتصادی ، فرهنگی و اجتماعی را نیز با مسائل سیاسی گره می زنند و این جاست که گرایش های حزبی و گروهی نویسندگان و درمقابل دولت و مسئولین وارد محتوای مطالب می شوند. در مطبوعات کشور ما نیز همیشه برخی در حمایت از دولت و برخی درنقد دولت قلم زده اند. و در دولت کنونی نیز منتقدان از مسیر رسانه ها بویژه مطبوعات نظرات خود را بیان می کنند. اما مسئله ای که در این میان مهم است این است که آیا این نظرات و انتقادات منصفانه است یا خیر؟ و پاسخ مسئولین امر به این انتقادات چگونه است. آنچه امروزه شاهد آن هستیم این است که متاسفانه برخی مطبوعات طرفدار دولت بدون درنظر گرفتن واقعیات سعی در مثبت جلوه دادن تمامی عملکرد دولت و توجیه تمام کارهای دولت دارند. و در سوی دیگر گرچه برخی مطبوعات منتقد دولت ممکن است انتقادات غیر منصفانه ای داشته باشند اما اکثر آنان سعی در بیان نقطه ضعف ها و کاستی های برنامه های دولت دارند تا مبادا این کاستی ها مورد غفلت واقع شوند ونادیده انگار گردند. اما این روزهابرخلاف شعار های دولت در زمینه ی ازادی بیان و انتقاد، متاسفانه این رسانه های منتقد با بی مهری های دولتمردان روبرو شده اند. از یک سو نویسندگان آنان در سخنان مسئولین با عناوینی چون تندرو، افراطی، متحجر، بی سواد، تا جهنم فرستاده می شوند و از سوی دیگر از پرداخت یارانه به آنها خودداری می شود و هر روز با توقیف و تذکر رو به رو می شوند . از این روست که امسال تعداد زیادی از رسانه ها به نشانه **اعتراض به عدم وجود ازادی بیان واقعی و سانسور دولتی** در نمایشگاه مطبوعات شرکت نکرده اند. دولتی که دم از با دوستان مروت با دشمنان مدارا می زند، امروز با قاطعیت تمام در سخن و عمل، در مقابل دوستان منتقد داخلی می ایستد و لبخند ها و دست دادن های خود را برای دشمنان قسم خورده کشور نگه می دارد.به نظر می رسد دولت انتظار دارد رسانه ها باید حامی دولت باشند و انتقاد نکنند تا مستحق یارانه گرفتن باشند. همیشه باید به یاد داشت که تفکر عده ای خاص که بسیار به هم شبیه هستند نمی توانند همه جوانب یک موضوع را بررسی کند و همیشه وجود منتقدان از همین حیث موثر بوده است. از سوی دیگر وجود افرادی در اطراف یک شخصیت مهم که از او انتقاد نمی کنند و حتی گاهی اوقات فقط تمجید می کنند، آن شخص را از توجه به واقعیات جامعه بازمی دارد و موجب تحلیل های نادرست از حوادث می شود. اینجاست که افرادی باید از بیرون به مسائل توجه کنند و عیوب آن را منصفانه بیان کنند تا پیشرفت حاصل شود .البته این نیز به خود آن فرد بستگی دارد که به انتقادات به عنوان یک ابزار برای بهبود کار نگاه کند نه بعنوان سخنان غرض ورزانه، تا بتواند از آنها استفاده کند.

امیدواریم این دولت نیز که با شعار اعتدال خود را معرفی می کند در این موضوع نیز از برخورد های تند با منتقدان و مسامحه با طرفدارانی که بعضا اصول نظام را زیر سوال می برند خودداری نماید تا عادلانه با همه برخورد شود . انشالله...

گلابی

قـل مواد

به نظر شما کدام یک از مواردزیر با این سخن رییس محترم جمهورکه:"پناه می برم به خدا از بستن دهان منتقدین" ارتباط بیشتری دارد؟

۱- عدم پرداخت یارانه به روزنامه های منتقد مانند کیهان، جوان و وطن امروز!

۲- صدور بخشنامه ای از طرف وزارت ارشاد مبنی بر منع رسانه ها از نقد برجام!

۳- امنیتی کردن پرونده ی فساد نفتی کرسنت و منع رسانه ها از پرداختن به ان!

۴- سه بار توقیف هفته نامه ی منتقد ۹ دی در طی دو سال!

۵- بازداشت مدیر مسئول یک روزنامه ی منتقد دولت!

۶- توبیخ کتبی روزنامه ی وطن امروز به خاطر یک تیتر درباره ی آل سعود ملعون.

ناهمتا، در جست و جوی انسان ایده آل!

ناهمتا(divergent) به کار گردانی نیل برگر و سنت شکن(insurgent) به کارگردانی رابرت شونتک و با بازی شیلین وودلی و تئو جیمز نام دو فیلم است که اولی در سال ۲۰۱۴ و دومی امسال اکران شده اند. فیلم دوم ادامه فیلم سال گذشته است. این فیلمهابا ژانر علمی تخیلی ساخته شده اند که البته رویکرد جامعه شناختی در این فیلمها بارز است. فیلمهای مذکور برگرفته از رمانهایی با همین عناوینند.

در این فیلمها با جامعه ای روبرو هستیم که به پنج گروه تقسیم شده اند و خارج از ویژگیهای گروه خود حق فعالیت و اظهار نظر ندارند و همگی تحت سیطره یک حکومت مرکزی هستند. حاکم این جامعه جهت سیطره بر افراد جامعه اش اجازه رشد در ویژگی های مختلف را به آنها نمی دهد چرا که کنترل آنها به این صورت آسان است. تشکیل این جامعه بعد از یک جنگ جهانی و از بین رفتن اغلب انسانها و جوامع است. افراد در این جامعه در ابتدای جوانی بر اساس یک تست و تشخیص ویژگی های فردی به یکی از گروهها تعلق میگیرند و حتی افراد مختلف یک خانواده از هم جدا میشوند.پنج گروه عبارتند از شجاعان، فداکارها، عالمان و باهوشها، صادقان و صلح طلبان. قهرمان فیلم دختری است که ناهمتا است و در هیچیک از گروهها تقسیم بندی نشده و ویژگی های همه گروهها را دارد. او با عد ه ای شورشی و یا بدون فرقه و یا بهتر است بگوییم انقلابی دست به شورش علیه سیستم حاکمه میزند. به نظر می رسد این فیلم رویکرد انتقادی به این نوع جامعه دارد. جامعه ای که افراد در آن گروهبندی شده و سازنده انسان تک ساحتی می سازد. به طور مثال عده ای فقط فداکاری میکنند و در بحثهای علمی ورود پیدا نمیکنند و یا عده ای که در گروه شجاعان هستند و در حیطه جنگاوری متخصص میشوند ولی در زمینه فداکاری و صداقت تخصصی ندارند. البته بدیهی است که تقسیم بندی های شغلی و کاری باید در جامعه وجود داشته باشد وگرنه جامعه فلج خواهد شد ولی تعمیم این تقسیم بندی ها به حیطه شخصی و شخصیتی انسانها در واقع مسخ و کنترل انسان هاست و میتوان گفت ذهن وقلب انسانها در این جامعه کنترل شده و به حب و بغض و و شک و یقین آنها جهت دهی می شود، آن هم جهت دهی که ثمره اش بهره کشی بیشتر برای عده ای معدود حاکم بر جامعه می باشد. از جهتی میتوان این فیلمها را نوعی اعتراض به جامعه مدرن و مدرنیته ای دانست که انسانها را در روزمرگی محصور نموده و اجازه رشد و تعالی را از او گرفته است.با دیدن این فیلم یاد کتاب انسان تک ساحتی هربرت مارکوزه می افتیم، کتابی که زمانی در جریان پست مدرنیته به نوعی اعتراض در برابر مدرنیته پولادین تبدیل شده بود.اما انسانهای بزرگ به روایت این فیلمها همان ناهمتاها هستند و به قول خودمان همان ویژگی جامع اضداد بودن را دارند. کسی که در عین داشتن علم و دانش و شجاعت همزمان صادق و فداکار و عادل است و برای نجات چنین جامعه ای دست به مبارزه میزند. به طور مثال ما در مورد امیر المومنین علیه السلام این صفت جامع اضداد بودن را به کار میبریم. او کسی است که شجاع ترین انسانهاست و در حین حال در مقابل یتیمان کوفه مهربانترین پدر است. و یا به طور مثال میگویند در زمان ظهور حضرت زنان خانه دار علمی در حد یک مجتهد دارند. قطعا در آن دوران وظایف مادری به شیوه عالی خود برقرار خواهد شد یعنی عالمیت و ایثار و فداکاری در کنار هم. جامعه علوی و مهدوی انسانهایش را اینگونه رشد میدهد. در جامعه الهی حاکمان قصد الینه کردن (از خود بیگانه کردن ومسخ کردن) انسانها را ندارند، بلکه میخواهند انسانها را به مقام عبودیت الله رشد و تعالی دهند که بالاتر از آن مرتبه ای برای انسان متصور نیست. انسان جامعه مهدوی هرگز تک ساحتی نخواهد بود و تسخیر هیچ طاغوتی نخواهد شد. اصلا قرآن آمده است که گوهر وجودی انسان را متبلور کند و او را از بند و تسخیر هر کس و هر چیزی خارج نموده و با پیمودن راه عبودیت او را به کمال و تعالی روحی برساند. در این جامعه انسان ابزاری برای پیشبرد اهداف حاکمان ظالم نیست بلکه حاکمان الهی میخواهند مقام عظیم انسان را ترسیم کنند و انسانها را به آن سمت هدایت کنند. اگر دنیاسازی نیز در این جامعه صورت بگیرد، همگی برای رسیدن به هدف خلقت یعنی عبودیت است.

عاشقان off...

نعمت‌ا... پیغان

آنچه که این سالها به وضوح بر هر ایرانی مشهودست، گسترش روزافزون فروشگاه های زنجیره ای، هایپر مارکت ها،پاساژهای بزرگ چند طبقه ی تجاری تخصصی(مبلمان، تلفن همراه و ...) و تبلیغات بی حد و حصر کالاهای مختلف در رسانه ها و بر در و دیوار شهرها می باشد.فقط این قضایا مشهود نیست بلکه اتفاقات دیگری نیز رخ داده است: اگر خودروی شما خارجی باشد، اگر در خانه تابلو فرش های گران قیمت داشته باشید، اگر تلفن همراه شما آیفون سیکس باشد، اگر هر سال یک دست مبلمان نو بخرید،

اگر بینیتان را عمل جراحی پلاستیک نموده باشید،اگر تریدنت می جوید،اگر کفش های شما آدیداس است و یا نایک و صدها مورد دیگر،در این صورت مورد احترام و توجه بیشتری واقع می شوید.در حوزه ی اخلاق فردی و اجتماعی نیز دچار چالش شده ایم: صمیمیت بین مردمان کاهش یافته است. تنها شده ایم.زود رنج شده ایم.سریعا از کوره در می رویم.مخالف و منتقد خود را برنمی تابیم.طلاق و جدایی و نیز روابط نامشروع به موازات این ها افزایش یافته است.

همه ی مواردی که تا کنون ذکر نمودیم از اثرات و پیامدهای رشد مصرف گرایی در جامعه ی ایران رو به رشد می باشد.لااقل یکی از علل اصلیشان ،مصرف گرایی می باشد.البته این بدان معنا نیست که در کل فاتحه یمان خوانده است.بلکه منظور اینست از جامعه ی دینی ایران انتظار بیشتری می رود.

در جامعه ای که مصرف گرایی رواج یابد،اسراف سکه ی روز خواهد شد و صرفه جویی افسانه ای کهن که فراموش شده است! در جامعه ی مصرفی محوریت ارزش ها با پول تعیین می گردد.در جامعه ی مصرفی انسان ها تنها هستند و هر کس، خودش هست و پولش و کالاها و وسایلی که دارد و غم وسایلی که ندارد و شوق به خرید وسایلی که می تواند تهیه کند! **انسان مصرف گرا تمامی همش مصروف این می گردد که کار کند و پول دربیاورد و فلان وسیله را بخرد.وی عاشق چرخ دستی فروشگاه های زنجیره ایست.عاشق off است و دلش برایش می تپد.دلش به گارانتی و اشانتیون ها خوشست. معنویت و رزق معنوی و صفای باطن برایش مطرح نیست و اگر هم باشد تا بدانجاست که آرامش مصرفی اش را بهم نزند.در مصرف گرایی،دیگر یک انسان، یک صدا معنی ندارد،بلکه یک دلار، یک انسان وجود دارد.در این جامعه ایثار و کسب رضای حق تعالی مفهومی ندارد.مصرف گرایی،با خودش مواردی را به ارمغان می آورد از جمله فرد گرایی و اباحی گری.**

در فرهنگ لغات وبستر consumerism را چنین شرح داده است: "باوری مبنی بر اینکه صرف مقادیر زیادی پول برای کالاها و خدمات برای مردم خوب است!یک تئوری که در آن مصرف روزافزون از لحاظ اقتصادی مطلوب است."

در آینده از مصرف گرایی و تبعات و لوازم آن، بیشتر سخن خواهیم گفت.

بازتاب

پی سوادالدوله

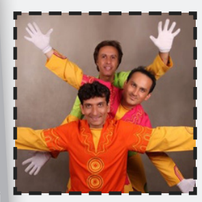

رهبرمعظم انقلاب(مدظله العالی)/ دیدار با روسای دانشگاهها و پژوهشگاهها

آمار داده اند که سرعت پیشرفت علمی ما در دنیا دو رتبه کم شده؛ این بد است، با این سرعت پیشرفت خیلی عقبیم؛ ما را سالهای سال عقب نگه داشته اند/ آمریکا پیشرفت علمی را ۱۴۰سال از ما زودتر شروع کرده/آن چیزی که چشم دنیا را خیره کرد سرعت پیشرفت ما بود؛ گفتند سرعت رشد علمی جمهوری اسلامی ۱۳ برابر سرعت رشد دنیاست.

کار فرهنگی را در دانشگاه بعضی با کنسرت و اردوی مختلط اشتباه گرفته اند؛غربیها چه بهره ای بردند از اختلاط؟ اسلام انسان را شناخته که حکم حجاب و عدم اختلاط را داده/ کار فرهنگی باید دانشجو را متخلق، انقلابی، معتقد به آرمانها،دوستدار کشور و نظام، دارای بصیرت،بااعتماد بنفس و سرشار از امید وبافهم درست از موقعیت کشور تربیت کند؛ به جوانهای مومن و انقلابی میدان دهید

تقویت انبار تسلیحاتي آمریکا در غرب آسیا

اوباما، به رژیم صهیونیستی و شیخ‌نشین‌های خلیج فارس وعده افزایش کمک‌های نظامی در دوران «پسابرجام» را داده است. /رئیس‌جمهور آمریکا هدف از این اقدام را بالا بردن امنیت رژیم صهیونیستی و کشورهای یاد شده در برابر آنچه به ادعای وی «تهدید ایران» است، ذکر کرده است.

رحیم پور ازغدی در دانشگاه تهران:

شعار مرگ بر امریکا و شعارهای دیگری که در زمان انقلاب داده می‌شد در آن زمان نیاز به توضیح نداشت ولی برای نسل چهارم که نمی‌داند برای چه مرگ بر آمریکا می‌گوئیم باید این شعار بازخوانی شود.

آیت الله آملی لاریجانی آملی لاریجانی/ پاسخ به اظهارات رییس جمهور در نمایشگاه مطبوعات؛

نمی‌توان به بهانه نقد توهین کرد و کارهای خلاف امنیت کشور انجام داد. مردم از ما حل مشکلات می‌خواهند نه ایجاد حاشیه.

در این تفاهم چیزهای بسیاری داده ایم و چیزهای بسیاری هم تحصیل کرده ایم. در مجموع به نظر می رسد تفاهم قابل قبولی است اما با وجود امتیازات بسیاری که داده ایم کجای برجام افتخار است؟ سخنان رئیس‌جمهور خلاف واقع و توهین به دستگاه قضاست.

زنگ خطر برای آزادی بیان

حسام‌الدین آشنا (مشاور فرهنگی رئیس جمهور): هر چه میزان انتقاد به سیاست‌های دولت بیشتر باشد یارانه آن رسانه کاهش می‌یابد، البته این رابطه ممکن است که به صورت بر عکس هم اتفاق بیافتد یعنی ممکن است هر چقدر که یارانه کمتر شود انتقاد بیشتر شود.

تشویق اعراب به مداخله در بحران های منطقه از عراق تا سوریه ویمن

اشتون کارتر وزیر دفاع امریکا: « اگر شما نگاه کنید که ايرانی‌ها در کجا نفوذشان را اعمال می‌کنند، [می‌بینید که] آنها داخل بازي در روي زمین هستند.ما مایل نیستیم آنها روي زمین درگیر بازي باشند ولي [عرب‌هافقط] داخل بازي باشند. .به کشورهاي عربي گفتم: آقایان شما می‌آیید و به ما شکایت می‌کنید ولي [هیچ کدامتان] داخل بازي نمي‌شوید. شما باید درگیر بازي شوید. چیزي که شما لازم دارید همین است.»

■ دست کدخدا در فتنه های همه جا، برای بعضی ها هنوز غیر ملموسه!!!

بیزینس اینسایدر: سیاست «مک دونالدی» در ایران جواب نمی‌دهد

پایگاه آمریکایی "بیزینس اینسایدر (Businessinsider) در مطلبی با عنوان "سیاست مک دونالدی در ایران، مخالفان بعد از توافق هسته ای قدرتمندتر شده اند" نوشت: «پیش فرض این بود که توافق هسته ای منجر به گشاده رویی ایران در استقبال از غرب شود و این رویه بتواند از نفوذ زیاد منتقدان دولت در ایران بکاهد و امضای توافق هسته ای بتواند دروازه های این کشور را به سوی تجارت خارجی مخصوصا با آمریکا باز کند؛ اما با گذشت چند ماه از امضای توافق، اکنون به نظر می رسد که این تغییرات شدنی نیست.ایرانی ها از برنامه هسته ای خود عقب نمی نشینند و شعارهای مرگ بر آمریکا همچنان در ایران شنیده خواهد شد.

لزوم اتحاد اقوام ایرانی

آیت‌الله سیدحسن عاملی (امام جمعه اردبیل): به دنبال پخش برنامه فیتیله شبکه ۲ سیما که سبب رنجش ملت آذری‌زبان ایران شد، حفظ پیوند، وحدت، انسجام و همدلی بیشتر همه اقوام و طوایف ایرانی را امری بسیار ضروری دانست و افزود: نباید اجازه دهیم تا دشمنان و معاندان از چنین فرصت‌هایی در راستای شکستن وحدت امت استفاده کنند.

وزیر اطلاعات در واکنش به انتشار عکسش در کنار یکی از سران فتنه:

«هر ساله به لطف خدا توفیق داشتم که در جلسات متعددی از مجالس عزاداری اباعبدالله الحسین(ع) که در ایام عاشورا و تاسوعا برگزار می‌شود شرکت کنم و امسال نیز در هیئت‌های زیادی از زاهدان و تهران توفیق شرکت پیدا کردم و در یکی از این برنامه‌ها حضور این جانب با حضور افرادی دیگر همزمان گردید که صرفا یک اتفاق بود.»

وی همچنین در خصوص حواشی پیرامون یک عکس افزود: «در این جلسه با من سلام و احوال پرسی کردند و به حکم وجوب شرعی پاسخ دادم و پاسخی که داده شد پاسخ مختصری بود»

■ حال و روزه فتنه گرا به جایی رسیده که برای ابراز وجود به عکس اتفاقی!!! متوسل میشن!

نامه ۱۲ هزار استاد دانشگاه

۱۲هزار نفر از اعضای هیئت‌علمی و مدرسان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور در تاریخ ۱۷ آبان‌ماه با صدور نامه‌ای سرگشاده به سران سه قوه، برخی از دغدغه‌های خود را از جمله در بحث نفوذ دشمن در کشور و توقف رشد علمی مطرح کردند.

این اساتید دانشگاه‌های کشور در این نامه سرگشاده خود خطاب به سران قوای سه‌گانه، خواستار هوشیاری مسئولان کشور در مقابل توطئه دشمنان انقلاب در نفوذ به سیاست‌های راهبردی نظام شدند و از مجلس درخواست کردند بر اجرای برجام، نظارت دقیق‌تری داشته باشد.

واکنش شمخانی به سؤال درباره رفع حصر

شمخانی در واکنش به پرسشی در مورد اقدام شورای عالی امنیت ملی برای رفع حصر،گفت: اجازه دهید یک لیوان آب بخورم! وی ادامه داد: با توجه به شرایط سنی‌ام و خستگی از صبح تاکنون ایجاب می‌کند که به این سوال پاسخ ندهم چون قاطی خواهم کرد!

نیمه‌ی پُر

فامیل دور

زهرا نعمتی بالاخره المپیکی شد.

کار زهرا در پارالمپیک لندن آن‌قدر برای ورزش ایران مهم بود و به چشم آمد که مسئولان کمیته ملی المپیک از او خواستند تا برای تیم ملی تیروکمان افراد سالم هم در بازی‌های المپیک به میدان برود و این کاروان را هم از توانایی خود بی‌نصیب نکند. نعمتی هم به امید بالابردن پرچم ایران، این خواسته را اجابت کرد تا هم در بازی‌های پارالمپیک و هم المپیک ۲۰۱۶ ریودوژانیرو برای تیم‌های ملی تیروکمان ایران تیر بزند.

■ سه سال پیش در بازی‌های پارالمپیک ۲۰۱۲ لندن بود که بانوی کماندار معلول کشورمان تاریخ‌ساز شد و به‌عنوان اولین زن ورزشکار ایرانی موفق شد مدال طلای این مسابقات را به دست آورد.